

مژه اتراک با یک پر فور منس
به گالری سو رفت

نمایشگاه مژه اتراک با عنوان «گره» در کار جهان، ما را بس» در گالری سو برپاست. اتراک در گشت و گویا



هنر آنلابن درباره این نمایشگاه گفت: از چهار سال پیش کار بر روی گره‌ها را آغاز کردم و سه سال به طور پیوسته مشغول کار بر روی پروژه‌ای بودم که قرار بود سال گذشته نتیجه آن نمایش داده شود. اما اتفاقاتی رخ داد که در نهایت باعث شد همه کارهای نمایش داده نشده خود را از دست بدهم. پس از آن از نظر روحی آسیب زیادی دیدم و حتی با توجه به اینکه موضوع آن مجموعه گره بود، خودم را به خاطر همه اتفاقاتی که در دنیای افتادم مقصر می دانستم و فکر می کردم شاید تمرکز من روی گره‌ها باعث این همه گره در زندگی آدم‌ها و اتفاقات گوناگون شده است. به دنبال چاره‌ای بودم تا این از حال دور شوم و ایده این پر فور منس که باز کردن گره بود به ذهنم رسید. او با اشاره به اینکه ۱۴۰۰ متر طناب در این اجرا به کار رفت گفت: قصد داشتم تلی از گره دست کنم اما نمی دانستم که چقدر طناب برای این کار لازم است. چند بار بسته‌های دوپست متری طناب را خریدم و هر بار آن‌ها را گره زدم احساس می کردم مقدار آن کم است. در نهایت وقتی که طول طناب به ۱۴۰۰ متر رسید احساس کردم که کافی است و این عدد به طور ناخودآگاه با سال ۱۴۰۰ نیز هماهنگ شد. احساس می کنم من فقط شروع کننده این اجرا بودم و بعد همه چیز خود به خود پیش رفت. حتی در طول اجرایی حضور من چندان محسوس نبود زیرا لباس من هم رنگ طناب بود و در تصویری که از این اجرا شده است حضور مخاطبان پالیاس‌های رنگی بسیار پررنگ‌تر از من است و حتی گاهی اوقات تعداد آن‌ها آن قدر زیاد است که من اصلا دیده نمی شوم.

میراث

بجنورد؛ میزبان جشن نوروزگاه
ایران و قزاقستان

سرپرست اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان شمالی



اظهار کرد: بنابر برنامه ریزی دبیرخانه ستاد اجرایی خدمات سفر، جشن نوروزگاه ۱۴۰۱ با همکاری کشور قزاقستان و به میزبانی استان خراسان شمالی در شهر بجنورد برگزار خواهد شد.

علی مستوفیان ضمن تأکید بر اهمیت برگزاری این رویداد در معرفی استان تصریح کرد: به توجه به شناسایی ۷۰۰ جاذبه گردشگری در استان و همچنین واقع شدن بین دو قطب مهم گردشگری یعنی مشهد و استان مازندران، برگزاری این رویداد زمینه حضور گردشگران خارجی در استان را فراهم کرده و موجب رونق این صنعت در استان خواهد شد.

کمبود بودجه کاوش شهر
سوخته را محدود کرد

همزمان با آغاز نوزدهمین فصل کاوش در شهر سوخته، سرپرست هیأت باستان‌شناسی



این محوطه گفت: به دلیل محدودیت در اعتبار، کاوش‌های این فصل به منطقه مسکونی شهر سوخته متمرکز می‌شود.

به گزارش روابط عمومی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، سید منصور سیدسجادی با بیان این که کاوش‌های فصل نوزدهم به مدت دو ماه ادامه دارد، افزود: دستیابی به چگونگی توزیع اتاق‌های کار، آشپزخانه، حیاط و سایر تأسیسات یک ساختمان در بخش‌های مربوط به دوره سوم استقرار در شهر سوخته در این فصل مورد نظر است.

وی گفت: در نوزدهمین فصل کاوش در شهر سوخته فعالیت‌های میان‌رشته‌ای نظیر مطالعات گیاه باستان‌شناسی، استخوان‌شناسی باستانی جانوران و انسان‌شناسی نیز دنبال می‌شود.

آخرین بازمانده اصیل عاشیق‌های آذربایجان:

مردم هنوز عاشیق‌ها را دوست دارند



آدم‌بزرگی بود اما این حال گفت: گفتن از موسیقی عاشیقی و عاشیق‌ها کار من نیست. او گفت: «عاشیق آمد... درویش آمد... عشق آمد». واقعا همینطور است، عاشیق‌ها برای آشتی مردم آمده‌اند، عاشیق همانطور که از نامش پیداست، باید عشق را بشناسد و عاشق باشد. مقوله عشق و عاشیقی کردن مراتبی دارد؛ لذا عاشیق باید در وهله اول تمیز و طاهر و چشم و دل پاک باشد. یعنی او هر کجا رفت و به هر جمعی وارد شد، باید اعضای آن را خانواده خودش بداند. زن و بچه مردم باید خانواده عاشیق باشند و اوست که باید به هر جمعی وارد می‌شود به آن گرمی ببخشد.

عاشیقی یا آشتیقی فقط یک کلمه نیست. برخی می‌گویند ریشه معنایی آن عشق است و برخی می‌گویند از آتش آمده؛ اما به نظر من عاشیقی از عشق آمده است. عاشیق‌ها برای آشتی مردم آمده‌اند. عاشیق همانطور که از نامش پیداست، باید عشق را بشناسد و عاشق باشد

است؛ اما با این حال، چرا هنر عاشیقی رو به زوال و فراموشی است و چرا آن جوانان و جوانان به آن علاقه‌ای ندارند؟

از اوضاع عاشیق‌ها موسیقی عاشیقی در دنیای امروز مطلع و همه‌مواردی که می‌گویند اما خودمان می‌دانیم. موضوع این است که عاشیقی فقط نواختن و خواندن نیست. عاشیق باید خودش شعر بگوید و داستان‌ها و روایت‌ها را بلد باشد و از بر باشد. او در نهایت باید برای شعرش هم آهنگ بسازد. درست است که من و هم‌نسلانم، حالا سن و سال بالای داریم و برخی چیزها را یادمان رفته؛ ولی در نهایت اینطور عاشیقی کرده‌ایم و رمز ماندگاری عاشیقی تا به امروز همین عشق بودن است.

پس چرا عاشیقی مانند گذشته مورد توجه نیست؟

در مورد عقب ماندن موسیقی عاشیقی واقعیت این است که جو عوض شده. اصلا هم مسئله این نیست که مردم از عاشیقی سیر شده‌اند، نه اصلا اینطور نیست. عاشیقی همیشه تازه است. دلیلش را گفتیم؛ چون شعرها

بسیار زیاده‌تر از آن است و حتی گاهی اوقات تعداد آن‌ها آن قدر زیاد است که من اصلا دیده نمی شوم.

به طور واضح عشق اتفاقی زمینی نیست و عاشیق‌ها به نوعی باید به اخلاقیات و معنویات اهمیت بدهند. بنابراین همانطور که گفتیم؛ عاشیق باید خدانشناس باشد و این خیلی مهم است. بله عرفان هم بخشی از عشق است و عاشیق باید همه مولفه‌های عاشق بودن را داشته باشد تا عاشیق تلقی شود. در نهایت هنرمندان و عاشیق‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که عاشیق باید خداپرست و خدانشناس باشد. مانند فردی که عاشق می‌شود و او هر طرف که برود در نهایت به خدایم می‌رسد. از اینها گذشته مهم است که او عاشق ملت و خلق باشد. اینطور بگویم که عاشیق باید پدر مردم خود باشد. برخی مواقع به من می‌گویند پدر ما هستید.

این احساس بین مردم و عاشیق‌ها مقوله‌ای دو طرفه بوده

مقامی مانند «کوراوغلو» را روایت و اجرا می‌کردم؛ یکی از بچه‌های تبریز اجرا را ضبط می‌کرد و مواردی را می‌نوشت. یک روز حین اینکه اجرای ضبط شده، بخش می‌شدنم گفتم: اینجا کوراوغلو چنین می‌گوید و چنان می‌گوید. یکی از همان دوستان گفت تومی دانی خواننده چه می‌گوید؟ و حرف‌هایش را متوجه می‌شوید؟! من گفتم اینکه می‌خواند اجرا می‌کنم نمی‌شوی؟ گفت نه! او با اینکه ترک زبان بود، آمانمی دانست معنا و مفهوم آنچه روایت کردم، چیست!

بله این موارد وجود دارد. مطمئنا اگر الان همراه شما به آذربایجان و تبریز و مناطق تابعه برویم و با مردم

بپرسیم آیا ایشان را، عاشیق حسن را، می‌شناسید یا نه؟ اغلب آن‌ها شمار نمی‌شناسند.

بله واقعا همینطور است. اما جالب اینکه فارس زبان‌ها ما را می‌شناسند. من در کشور‌های خارجی هم کنسرت‌های زیادی برگزار کرده‌ام و شاهد این قضیه بوده‌ام. واقعا اینطور بود که سالان پر می‌شد و جایی برای نشستن تماشاگران نبود. ایرانی‌ها، بخصوص فارس زبان‌ها، زیرشان روزنامه می‌انداختند و می‌نشستند و برنامه را تا به آخر تماشا می‌کردند. به جرات می‌گویم دو تا سه هزار نفر به کنسرت‌های من می‌آمدند.

صحبتتان درباره چه مقطعی است؟

موضوع مربوط به سه سال پیش و قبل از انقلاب است. در کل موسیقی عاشیقی از زمانه عقب مانده آمادلیش این نیست که مردم عاشیق‌ها را دوست ندارند و من این را با ال‌مینیان می‌گویم. تغییر شرایط، مدل زندگی و وضعیت زندگی اتفاقاتی هستند که به علاقه مردم ربطی ندارند.

اتفاقات مهمی که معمولاً نادیده گرفته می‌شود، ضبط و ثبت آثار و مقام‌هایی است که توسط بزرگان می‌شود؛ چون شما ساخته و اجرا شده‌اند. این رویه در مورد شما و آثارتان وجود داشته و دارد؟

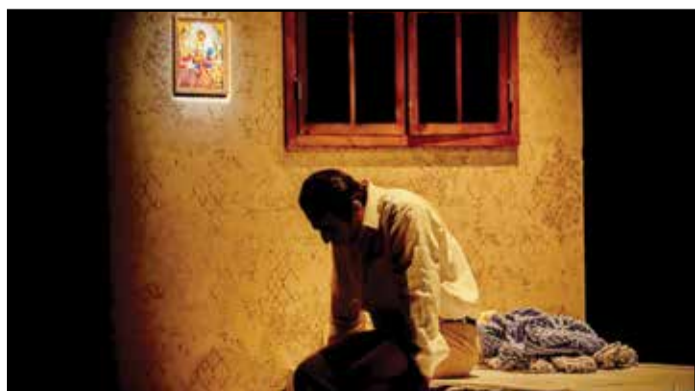
بله خوشبختانه این اتفاق افتاده و چنین افرادی هستند که عاشیقی و عاشیق‌ها را زنده نگه داشته‌اند. شما خبرنگاران و روزنامه‌نگاران هستید که عاشیقی و موسیقی‌های دیگر را نگه دارید و به ما یاد دیگر هنرمندان پیشکسوت و جوان اهمیت می‌دهید به ما انگیزه و روحیه می‌دهد. ما موسیقی عاشیقی و شما عزیزان را زنده نمی‌کنیم و قدر

تغییر فضا بر ارتباط مردم با موسیقی و انواع آن تأثیر گذاشته. موضوع فقط عاشیق‌ها نیستند. شما فکر می‌کنید نسل‌های جدید محمدرضا شجریان و پسرش را دوست می‌دارند؟ نه واقعا اینطور نیست. اگر اشتیاق و علاقه‌ای هم به این دو هنرمند هست، مربوط به نسل قبل است و امر روزی‌ها آنطور که باید آن‌ها را نمی‌شناسند

دانیم. مثلا کارگردانی را می‌شناسم که اهل آذربایجان و شهر اهر است و حسن دلوری نام دارد. این هنرمند حداقل بیست داستان عاشیق‌ها و مقام‌های آن‌ها را ضبط کرده که برخی از آن‌ها را خودم اجرا کرده‌ام و باقی را دیگر دوستانم خوانده‌اند. به هر حال باید جانب انصاف را رعایت کنم و این موارد را هم بگویم.

یکی از آخرین اجراهای شما در چهاردهمین جشنواره موسیقی نواحی بود که آن‌ها ماه در کرمان برگزار شد، این رویداد را چگونه دیدید؟

بله در جشنواره موسیقی نواحی امسال چند اجرا داشتیم. درباره کم و کیف آن هم بگویم که همه شرکت‌کنندگان راضی هستند، اما من در اینبار صحبتی دارم. من می‌گویم الان چندین سال است که جشنواره در کرمان برگزار می‌شود و آقایانی چون محمدرضا درویشی، اردلان و دیگر بزرگان هم در آن حضور داشته‌اند. خودم هم چند دوره به عنوان داور یا برگزارکنندگان همکاری کرده‌ام. حرفم این است که چرا جشنواره موسیقی نواحی در تبریز برگزار نمی‌شود؟! اصلا این جشنواره چرا چرخشی عمل نمی‌کند و به شهرهای مختلف نمی‌رود؟ به نظرم جشنواره موسیقی نواحی، مال همه مناطق ایران است و این روایت یک جابر گزار کردنش، درست نیست. چقدر خوب و رضایت بخش است که جشنواره در شهرهای دیگر هم برگزار شود. کافی است جشنواره را به تبریز ببریم تا همین هنرمندان شهرهای مختلف، مستقیما با اصل موسیقی تبریز و آذربایجان مواجه شوند. نه فقط تبریز این تازگی در موسیقی‌های شهرهای دیگر هم وجود دارد.



هر روز ساعت ۱۸:۳۰ روی صحنه می‌رود. سجاد افشاریان نیز قصد دارد «بک تو بلک» را در پردیس تئاتر شهر زاد روی صحنه برد. سجاد افشاریان، نیکو بستانی، مهدی زندیه، مسعود زنجیر شیرازی، نرگس جاجر می، پرستو احمدی، محمدحسین غفاری، امیر صدیقی، حسین افتتاحی، سهیل سالکی، پیرام خاکزاد، محمد رحمانیان، وحید کامل، مهرنوش لک، امیر قالیچی، صادق کسندی، آریز امیرخان، هدیه کاررونی و علی زنده‌زاد دوم دی ماه در دو سانس ۱۸ و ۲۰ در پردیس تئاتر شهرزاد این نمایش را روی صحنه می‌برند.

کارگردانی بهنام حسن بوردیگر نمایش تازه‌ای است که از نهم آذر ماه در تالار انتظامی مجموعه خانه هنرمندان روی صحنه می‌رود. این اثر روایتگر قصه چند دانشجوی شهرستانی تئاتر است که در طول مسیر تحصیل خود با مشکلات متعددی روبه‌رو می‌شوند. بهنام حسن پور، حامد مهراندیش، حمدرضا فلاح، صادق فتح‌اللهی، پوریا جلال‌وندی بازیگران «روزمرگی» هستند. این نمایش هر شب ساعت ۱۷:۳۰ در تالار انتظامی روی صحنه می‌رود.

دیگر نمایش تالار انتظامی، «آسانسور ندره» به کارگردانی لیخند بدیعی است که از نهم آذر، ساعت ۱۹:۴۵ روی صحنه می‌رود. «آسانسور ندره» به نویسندگی سباستین تیری و ترجمه هومن حسین‌زاده، یک کمدی

آغاز نمایش‌های تازه با پایان وضعیت سرخ

با پایان گرفتن وضعیت قرمز کرونایی در کشور، به تعداد آثار نمایشی شهر تهران نیز افزوده می‌شود. نمایش «اتاق روانی» به کارگردانی مهدی کاسه‌ساز و تهیه‌کنندگی آرمان راد شامگاه جمعه ۱۵ آذر اجرای خود را در تالار حافظ آغاز کرد.

نمایش «اتاق روانی» روایتی از انسان معاصر است که برای رسیدن به اهداف خود به سختی تلاش می‌کند اما به راحتی همه چیز را از دست می‌دهد. در خلاصه داستان این اثر آمده است: «دیگه خاکی نمونده، همه رو بردن. فقط به دیوار نصفه نیمه‌س که باید خرابش کنیم...» این اثر نمایشی هر شب ساعت ۲۰ در تالار حافظ روی صحنه می‌رود.

نمایش «روزمرگی» به نویسندگی و

تئاتر